



حد و حدود پوشاندن راز از دوست/ افشای سرّ دیگران مانند هتک آبرو است

امام صادق(ع) فرموده دوست خود را به راز خود آگاه مکن جز به آنچه اگر دشمنی بر آن آگاه شود نتواند به تو زبانی برساند زیرا دوست ممکن است روزی دشمن شود.

خبرگزاری مهر-امام صادق(ع) فرموده دوست خود را به راز خود آگاه مکن جز به آنچه اگر دشمنی بر آن آگاه شود نتواند به تو زبانی برساند زیرا دوست ممکن است روزی دشمن شود.

"سرّ افراد" حرمتی دارد که برای هیچ انسانی جایز نیست در جهت کشف یا آگاهی از آن بکوشد یا آن را میان مردم منتشر سازد؛ دقیقاً به همان گونه که بر انسانی جایز نیست که اموال دیگران را بدزد یا در آن دست برد و اگر چنین چیزی صورت پذیرد در حقیقت این آتش است که می‌خورد.

هر انسانی اسراری دارد و اگر چه ممکن است اسرار شخصی واقعاً مهم نباشد ولی برای این شخص حتماً اهمیت دارد و آشکارکردن این سرّ در میان مردم شبیه هتک آبرو و ناموس است.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: مجلس‌ها امانت هستند و بر هیچ کس روا نیست سرّ دوستش را فاش سازد. (بحارالانوار ج 75 ص 467).

همان‌گونه که نباید اسرار دوستان را فاش کرد نباید اسرار خود را در اختیار دیگران نهاد و راز خود را جز برای دوست مؤمن فاش نسازیم. حضرت علی (ع) می‌فرماید: سرّ خود را جز به مؤمن با وفا باز مگو. (بحارالانوار ج 77 ص 296).

برای دوست لذت بخش است که گاهی از اوقات اخبار خود را با دوستش در میان نهد و اسرارش را با دوستش بازگو کند همچنین لذت انگیز است که به همین گونه با او رفتار شود و اخبار و اسرار خویش را به او بسپاری و در این امر بر او و بر تو باکی نیست. زیرا این مقتضای طبیعت یاران و دوستان است. لیکن بر توست که اسرار دوستت را محفوظ بداری و از افشای آنها به دیگران خودداری کنی، زیرا اگر به چنین کاری اقدام کنی پیمان برادری و دوستی را نقض و به او خیانت کرده و فریشت داده‌ای و آن که به دوستش خیانت کند و او را فریب دهد دوست و برادر نیست.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: سرّ تو خون توست که نباید در رگهای دیگری جریان یابد. (بحارالانوار ج 75 ص 71). و نیز می‌فرماید: دوست خود را از سرّ آگاه مگردان مگر سرّی که اگر دشمن تو از آن آگاهی یابد زبانی تو در بر نداشته باشد. (بخارالانوار ج 75 ص 71).

در این جا دو قاعده وجود دارد که روشن می‌کند در خصوص اسرار چگونه با مؤمنان رفتار کنیم: اول: آنچه نباید دوست از آن آگاهی یابد و نیز آنچه به او مربوط نیست نباید از آن مطلع گردد، زیرا در آگاهی او از آن سودی نهفته نیست همچنین صاحب سرّ نیز نفعی از آگاهی او نمی‌برد.

دوم: این که سرّ خود را جز برای دوست مؤمن فاش نسازیم دوستی که در مراحل مختلف ایمان و امانت داری و وفاداری خود را به اثبات رسانده است و تحت هیچ شرایطی اسرار دوست خود را فاش نکرده است.

امام باقر(ع) می‌فرماید: به حق قیام کن و در آنچه به تو مربوط نیست ملتزم باش و از دشمنی بپرهیز و از دوستان خود جز مؤمن حذر کن.

کسی که رازهای دوست خود را به راحتی در اختیار دیگری می‌گذارد به وی نباید اعتماد کرد، زیرا او با این کار می‌خواهد دوست خود را بدنام کند و چه بسا افرادی نالایق در دوستی رازهای دوستان خود را فاش کرده و پیوندهای دوستی خود را از میان برده‌اند و به دوست خود خیانت کرده رازهای دوستان همه در نزد ما امانت هستند و درست نیست خیانت در امانت کرد و خود را مورد لعن و نفرین پروردگار قرار دهیم.

دین مقدس اسلام بسیار سفارش کرده است که اگر شخصی را امین نمی‌دانی از اینکه اسرار خویش را نزد وی بسپاری بر حذر باش،

بلکه باید آنها را نزد کسی بگذاری که به او کمال وثوق و اعتماد را داری و اگر چنین انسان امین را نمی‌یابی بهتر است آنها را نزد خودت نگه داری کنی، زیرا نگه داشتن آنها نزد خود بهتر است از این که آنها را نزد غیر امین فاش کنی چون با این کار حیثیت و آبروی خود را تباه می‌کنی.

برای انسان پسندیده نیست که همه اسرار خود را حتی به دوست امین و مورد اعتماد خود بسپارد زیرا محتمل است در او اگر چه پس از مدتی دگرگونی و تبدیل پدید آید. بلکه خرد و دوراندیشی حکم می‌کند که او را به چیزی از اسرار خود آگاه نکند جز به آنچه که روزی دشمن شود نتواند به وسیله آن به او زبانی رساند. چنان که امام صادق(ع) فرموده دوست خود را به راز خود آگاه مکن جز به آنچه اگر دشمنت بر آن آگاه شود نتواند به تو زبانی برساند زیرا دوست ممکن است روزی دشمن شود.(بحارالانوار ج 71 ص 177)